

هدف از رنج ها و سختی ها

Drs. Gijs van den Brink 2017

تقریباً هر هفته از من سوالاتی می‌شود در مورد این که چرا خدا اجازه می‌دهد، مردم در جنگ ها و مریض ها بی دلیل بمیرند؟ اگر خدای قادر مطلق هست، چرا کاری انجام نمی‌دهد؟ هر انسانی دارای اراده آزاد است.

در واقع اول باید این را بگوییم که مریضی، رنج و درد، نمی‌تواند از خدایی باشد که همه چیز را زیبا و نیکو آفریده است. بلکه این ها در واقع نتیجه سرپیچی از خواست و اراده خداست که در کتاب مقدس، این عمل گناه نامیده می‌شود. در حقیقت، مردم خواستند که در اسارت و بردگی باشند، نه اینکه خدا بطور مثال: وقتی انسان بمب را اختراع کرد این خواست انسان بود نه خواست خدا. ولی چرا خدا این اجازه را می‌دهد؟ چون او ما را دوست دارد و به ما این آزادی را داده که بین نیکویی و بدی انتخابی داشته باشیم.

محبت اجباری نیست. محبت واقعی محبتی است که، کسی را که دوست داری در انتخاب آزاد بگذاری. در محبت اجباری نیست.

چرا خدا اثر منفی ناطاعتی و سقوط انسان را، همانوقت از طریق عملی خاص یا معجزه از میان نبرد؟ خدا این گونه عمل نمی‌کند. چون اگر این طور بود او می‌بایست این عمل یا معجزه را بارها و بارها و به دفعات انجام می‌داد. و در نهایت، گناهان ما باز هم تکرار می‌شد و دوباره در همین موقعیت قرار می‌گرفتیم. ولی خداوند از طریق یک مداخله مداوم و فوق العاده خود، این عمل را انجام داد و نیازی نیست که ما کاری انجام دهیم. و ما کاملاً موجودات دیگری شدیم ولی این بدین معنا نیست که ما هیچ انتخابی نداریم.

نجات دهنده از طریق مداخله خدا: خدا نمی‌خواهد که رنج در دنیا باشد. او به روش الهی خود، وارد عمل می‌شود. چگونه؟ خدا بعد از گناه اولیه برای نجات انسان وارد عمل شد و یک راه جدید مهیا کرد. در پیدایش (3:15) کلام خدا می‌فرماید: در بین تو و زن کینه می‌گذارم. نسل او و نسل تو همیشه دشمن هم خواهند بود. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه او را خواهی گزید. این است راه مقابله. این راهی است که ما را در برابر حملات شیطان که طی یک نبرد طولانی خواهد بود مصون میدارد و همچنین یک راهی است که پوشش میدهد رنج های نسل زن را. نبردی است برای تمام بشریت.

نتیجه کار خدا در رنج ها و عذاب در دنیا، این خواهد بود که شیطان از میان برداشته می‌شود و سلطنت و ملکوت خدا در دنیا همان گونه که در بهشت بود، بازسازی و بنا خواهد شد. پولس رسول در رومیان (8:22) می‌گوید: زیرا میدانیم که تمامی آفرینش تا زمان حاضر از دردی مانند درد زایمان نالیده است. پولس رسول در اینجا از مثل درد زایمان استفاده می‌کند تا هدف از درد و رنج را بیان کند.

او با مقایسه کردن خنق آفرینش و رنج های دنیا با درد زایمان، در واقع تصویر روشنی به ما می‌دهد که جنگ و رنج و سختی در دنیا اجتناب ناپذیر است و اتفاق می‌افتد، تا به یک تولد و زندگی جدید هدایت شود.

سختی ها برای انسان یک هدف دارند: زندگی جدید، در دنیایی جدید. و برای ما یک خبر خوب وجود دارد، ملکوت و پادشاهی خدا از زمان آمدن عیسی مسیح شروع شد و البته که، هنوز کامل نشده است. عیسی در متی (18: 28) فرمود: تمام قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. ولی هنوز این قدرت بطور کامل نیامده و موقتی است. بطور مثال: بسیاری از مریضی ها از طریق قدرت خدا و در نام عیسی مسیح، شفا یافته اند. ولی هنوز همه مریض ها شفا نیافته اند. یعنی اینکه اکنون در دنیا

فقط قسمتی از قدرت عیسی مسیح شروع شده ولی در بازگشت ثانویه مسیح، این قدرت کامل خواهد شد.

امروزه خداوند چگونه از درد و رنج ما استفاده می کند تا به ما زندگی جدید بدهد؟

1) نقشه خدا هم شامل اصولی برای تمام دنیاست و هم شامل اصولی برای زندگی شخصی ما. در واقع از طریق درد و اندوه است، که خیلی از مردم به سوی عیسی کشیده می شوند. زندگی بسیاری از ما می تواند، این موضوع را شهادت دهد که در زمان مشکلات و سختی ها، خدا را جستجو کردیم. در انجیل، عیسی برای چه کسانی آمده بود؟ برای کسانی که بیمار بودند، برای کسانی که حتی سواد خواندن و نوشتن را هم نداشتند و برای کسانی که، مرتباً از سوی رهبران مذهبی مورد اتهام قرار می گرفتند که امروزه روز هم به همین گونه است.

2) خداوند از رنج ها و سختی ها برای ساختن و شکل دادن به شخصیت ما استفاده می کند. در عبرانیان (8 : 5) می خوانیم که عیسی : اگر چه پسر خدا بود، اطاعت را، از راه تحمل درد و رنج آموخت. علاوه بر این، رنج ها می توانند از نظر خدمت و رشد روحانی به ما کمک کنند، تا هر چه بیشتر به شباهت شخصیت عیسی در آییم .

3) اگر عیسی رنج کشید، پس ما هم رنج می کشیم . عیسی آگاهانه و داوطلبانه رنج کشید. در این مورد، تو میتوانی فرار کنی و یا ایمانت را مخفی نگه داری ولی برای کسی که عیسی را دوست دارد و به خاطر ایمان به او رنج می کشد، شادی وجود دارد .

پولس در کولسیان (1: 24) می نویسد، اکنون از آن رنج و زحمتی که به خاطر شما می بینم، خوشحالم. زیرا به وسیله رنج های جسمانی خود، آنچه را که از رنج های مسیح برای بدن او، یعنی کلیسایش باقی مانده است، تکمیل می کنم. پس عیسی رنج کشید، همچنین پولس، که در زندان قرار داشت! در حقیقت تمام پیروان او در رنج و ستم بودند. می بینیم که امروزه هم مانند همان زمان است.

صلیب مرکز است. دیدگاه ما، در کنار صلیب نسبت به درد و رنج چیست؟

بر روی صلیب، ما می توانیم نتیجه اراده آزاد انسان را مشاهده کنیم: عیسی به وسیله انسان ها مصلوب گشت. از طریق بدی ها و گناهان ما، این اتفاق رخ داد. در حقیقت امروز هم، در دنیای ما اینگونه اتفاقات رخ میدهد. حقیقتاً .

ولی می بینیم که خدا بر صلیب، از بدی های ما، چیز های نیکو بوجود می آورد. مردمانی که، پسر خدا را مصلوب کردند ولی در عوض او، گناهان آنان را بخشید. و زیباتر این که خدا در صلیب، از فاصله دور به دنیا نگاه نمی کند بلکه او، با رنج های ما همدرد است. زیرا او خود به زمین آمد، تا طرح الهی نجات و رهایی را، برای گوسفندان گمشده به اجرا در آورد.

چه خوشبختی بزرگی، که ما خدا را داریم! و ما نیز، همه چیز را به او می سپاریم و برای خدمت و مشارکت در طرح الهی نجات، با او همراه می شویم.